

سال دوم تاریخ جمال ۱۳۳۴

پیداری ما

اثر طبع یک دوشیزه

نقل از رهبر

پیام به افسران زندانی

افسان ننگدل از صحبت زندان نشود

زینه‌وار از عمل نیک پشیمان نشود

دام هر کن نزند لطمه به شخصیت شیر

شیر مردید شما خسته ز زندان نشود

کوه هر کز نشود خسته و لرزان از باد

کوه سختید ز یک حاده لرزان نشود

ای ستون‌های وطن ثابت و محکم باشید

ست از باد و سر افکنندۀ باران نشود

باید آباد شود مملکت از خس شما

بهر عز و شرف از مرک هراسان نشود

دل یک ملت ماتم زده همراه شما است

دور از این مردم بدیخت پریشان نشود

ای سر زود شود کاخ ستمکر ویران

بسی خبر از هیسر آهان نشود

نکنارید شود خانه خائن آباد

سر و جان داده و شرمنده وجودان نشود

هیفرستد بشما هام و چن ملیع پیغام

افسان ننگدل از صحبت زندان نشود